



تیرنگ | T-rang

مجری تبلیغات محیطی و مجازی

گرگان: خیابان امام خمینی (ره)

آفتاب ۲۴، نبش دارویی دوم

☎ ۰۱۷۳۲۲۰۴۶۷۹ | @ Tirang.Studio | 📠 ۰۹۱۱۲۶۸۲۳۵۷
📧 ۰۹۳۶۹۵۹۶۲۰۳ | M tirang.advertising@gmail.com

تلاش برای روان سازی
ترافیک گرگان



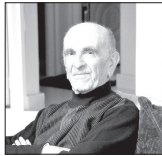
۲

من می توانم هنگام سختی
چون کوه باشم...



۳

پژوهش
ضعیف شده است



۵_۴

گلشمن

روزنامه

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

سه شنبه ۱۳ آبان ماه ۱۴۰۱ / سال بیست و چهارم / شماره ۲۴۸۴ / صفحه ۲۵۰۰ / تومن

یادداشت اول

تکلیفمان را با خودمان معلوم کنیم

■ با مسوولیت سردبیر

تکلیف بسیاری از ما با باورهایمان معلوم نیست. این (ما) که می گوئیم منظور شهروندان بی ادعا و مخلص کوچه و بازار نیست؛ اتفاقاً این منظور این (ما) همه یا بخش بزرگی از اهالی دانایی و فضل و دانش است. این (ما) من هستم و شما که شاید با دقت در حال خواندن این سطورید و یا شهروندانی از این دست، برای نمونه آیا هرگز از خود پرسیده ایم که از نظر ما که خود را احتمالاً شهروندان متدینی می دانیم دین به چه مفهومی است؟

آیا دین از نظر ما مجموعه ای از احکام و شعایر است که در آن آدابی برای آماده سازی روح برای آخرت طراحی شده است یا آنکه دین از نظر ما به مثابه امر اخلاقی است، مادر تقدم اخلاق و شریعت تقدم را به کدام می دهیم، آیا شریعت بر اخلاق مقدم است آیا انسان اخلاقی بر انسان شریعتی مقدم است؟ کدام یک؟ این از ابتدایی ترین سوالاتی است که باید از خود پرسیم و برای آن پاسخی در خور داشته باشیم سوالی که پاسخش شباهنگام ما به آرامش خواب را هدیه کند، نمونه این سوالات بنیادین بسیار است از جمله اینکه از نظر ما انسان دارای چه مفهومی است آیا انسان از نظر ما موجودی است که آزاد، متعهد، مسوول و پاسخگو آفریده شده است، آیا انسان حق پرسشگری دارد؟ آیا انسان حق تغییرات بنیادین دارد؟

اگر آری این تغییر تا کجا و تا چه اندازه می تواند استمرار یابد اگر نه پس آزادی را چگونه باید ترجمه کرد، همین نوع سوالات را می توان درباره آزادی، برابری، حق الناس و... مسایل متعدد دیگر طرح کرد و درباره آنها اندیشید، سوالاتی که تا هر انسان خردمندی جوابی قانع کننده برای خود و وجدان خود نداشته باشد، نمی تواند به آرامشی که باید دست یابد و در صورتی که به هر دلیل نخواهد به آنها بیندیشد نمی تواند پای در راه دانایی و معرفت بگذارد و تا ابد عوام خواهد ماند و این نابسامانی روحی در زندگی اجتماعی و مدنی او نیز بازتاب خواهد داشت و او را از رسیدن به رستگاری باز خواهد داشت.



یا قوت سرخ
در چنجه دلان
« ۱ »



هنر چیق بافی
در اسارت شهر نشینی
« ۶ »



نیاز دانشگاه های گنبد کاووس
به دوره های تحصیلات تکمیلی
« ۶ »

معضل مدیران نمایشی گلستان



شایستگی در انتخاب آنها محلی از اعراب نداشته بلکه به برکت ارتباط با افراد بانفوذ، تامین منافع گروهی و وابستگی جناحی به مناصب و پست های مدیریتی دست یافته اند. این مساله البته محدود به این دولت هم نیست. دولت های پیشین نیز از این مدیران کم نداشته اند. این امر البته آثار بسیار مخرب اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برای استان داشته و خواهد داشت و باعث نارضایتی و ناامیدی مردم و پایین آمدن انگیزه رقابت در افراد توانمند برای تصدی مشاغل مدیریتی شده و می شود. در کنار این مساله رفتار مداخله گرایانه برخی نمایندگان در انتصاب مدیران نیز در جای خود قابل تامل است. با این وجود و البته در این خصوص واکنش سیاسیون و رسانه های استان تاکنون مطالبه گرانه نبوده است. در حالی که شهروندان از احزاب و نهادهای مدنی و رسانه ها مطالبه دارند و طلب آنها حقی است که به واسطه فقدان مطالبه گری از آنها تضییع می شود. در این میان مسوولیت استاندار گلستان بسیار سخت و سنگین است. او که خود از خانواده معظم شهداست و تلاش کرده است صادقانه گری از گره های زندگی شهروندان را باز نماید در این راه باید استقامت به خرج دهد و بداند فردا دیر است و بسیار زود فرصت خدمت از دست خواهد رفت.

للمسلمین به فقد خان الله و رسوله» کسی که مسوولیتی از امور مسلمین را بر عهده بگیرد، سپس فردی را عهده دار کاری کند در حالی که فرد اصح تر از او را می یابد، به خدا و رسول او خیانت کرده است. اما در گلستان و به ویژه در دولت سیزدهم می توان گفت بخش قابل توجهی از مدیران بر اساس تخصص و اصل رقابت و توانمندی، مناصب را احراز نکرده اند و لیاقت و

آب گل آلود ماهی گرفته اند و نه به واسطه توانایی های فردی و سواد و مهارت های مدیریتی بلکه به واسطه لابی های قدرتمند، رفاقت ها و... منصوب شده اند. متأسفانه باید بگوئیم امروز به هر دلیل اصل شایستگی و کفایت در اداره امور جامعه فراموش شده است. بیاد بیاوریم که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «من ولی من امر المسلمین شینا، فولی رجلا و هو یجد من هو اصح

سردبیر... یکی از بزرگترین معضلات گلستان امروز حضور مدیران در پست هایی است که لایقش نیستند. مدیرانی که وقتی می خواهند سخن بگویند نیمی از وقت را به صحبت های کلی می گذرانند و بخش دیگر را به تعریف از مدیران بالا دستی و دقیقاً در هنگامی که باید به بحثی جدی و کارشناسی بپردازند مدعی می شوند که وقت تنگ است و حیف که مجال سخن نیست والا... ترجیح بند تکراری این مدیران کمبود وقت است و ادعای اینکه نمی توان در چند دقیقه همه حرفها را زد کسی هم از آنها نمی پرسد شما که بر چند دقیقه نمی توانی مدیریت کنی چگونه بر امورات کلان و خرد مدیریت می کنی. مشخصه دیگر این مدیران نداشتن برنامه برای اداره امور است، آنها مدام از تحمیل مشکلات و ناتوانی سیستم و بی برنامه گی سخن می گویند و راهکاری هم ارائه نمی دهند. سردادن شعارهای پوپولیستی، گفتگوهای بی مایه و مصاحبه های بی اعتبار و وعده و وعیدهای توخالی برای کسب محبوبیت از جمله عملکردهای این قبیل مدیران است. بزرگ کردن اقدامات، آمارهای عجیب و غریب که حتی خودشان هم سخت باورش می کنند، اداهای و فیگورهای مورد پسند همه که فریب دهنده افکار عمومی است و در واقع اینها بازیگران این صحنه اند. مدیرانی که از

تلاش برای روان سازی ترافیک گرگان

شهرستان باید برای رفع معضل ترافیک تدابیری بیاندیشد که در حال پیگیری این مهم است. رئیس اداره عملیات پلیس راهور گلستان با اشاره به تأثیر حفاری‌ها و عملیات عمرانی سطح شهر در ایجاد ترافیک، توضیح داد: پلیس راهور تمام تلاش خود را به کار گرفته که حفاری و پروژه‌های عمرانی منجر به ترافیک نشود اما در برخی از نقاط اجرای عملیات‌های عمرانی ضروری و اجتناب ناپذیر است که از مردم و رانندگان درخواست می‌کنیم در این نقاط صبوری بیشتری به خرج دهند. طبیعی به تأثیر مسئله بازگشایی مدارس بر افزایش ترافیک سطح شهر اشاره کرد و متذکر شد: در سال جاری استفاده والدین گرگانی از سرویس مدارس روند کاهشی داشته و بسیاری از والدین فرزندان خود را به صورت تک سرنشین و با وسیله نقلیه شخصی به مدارس می‌رسانند که همین مسئله بروز معضل ترافیک را دوچندان کرده است.



روان در سطح شهر است و در راستای رفع این معضل در حال حاضر برخی از خیابان‌های گرگان یک طرفه شده است. وی با بیان اینکه رفع معضل ترافیک نیازمند صرف هزینه‌های زیادی است، خاطرنشان کرد: شورای ترافیک استان و

امکان افزایش راه و معابر جدید در مرکز استان وجود ندارد و به نظر می‌رسد باید با خیابان‌های فعلی مدارا کنیم. طبیعی با بیان اینکه ما همچنان پیگیر روان سازی ترافیک در سطح شهر گرگان هستیم، بیان کرد: تقاضای مردم گرگان وجود ترافیک

رئیس اداره عملیات پلیس راهور گلستان با اشاره به علل ترافیک سنگین در سطح شهر گرگان، گفت: روند رو به رشد جمعیت و افزایش تعداد خودروها در ایجاد ترافیک سنگین گرگان بی‌تأثیر نبوده است. به گزارش روابط عمومی، محمد طیبی با اشاره به علل ترافیک سنگین در سطح شهر گرگان، اظهار کرد: آمارها نشان می‌دهد از سال ۹۰ تاکنون رشد جمعیت با افزایش ۱۱ درصدی همراه بوده و بالغ بر ۲۰۰ هزار نفر به جمعیت شهر افزوده شد. وی افزود: همچنین تعداد خودروها در سال ۹۰، ۱۱۰ هزار دستگاه بود که این میزان در حال حاضر به ۴۵۰ هزار دستگاه رسیده و فارغ از تعداد موتورسیکلت رشد ۳۰۹ درصدی داشته است. رئیس اداره عملیات پلیس راهور گلستان با اشاره به اینکه در مرکز استان گلستان نیز در سال ۹۶ تقاضای ساخت پل‌های بزرگ و تقاطع‌های غیرهمسطح مطرح شد، تصریح کرد: در حال حاضر

خبر

جامعه‌نیازمند گفتگو است



نماینده ولی فقیه در گلستان گفت: جامعه نیاز به گفتگو دارد، گفتگو هم نباید محدود به یک عده خاص شود، اینگونه رفتارها بر پیکر جامعه زخم وارد می‌کند. به گزارش مهر، آیت‌الله سیدکاظم نورمفیدی در جلسه شورای فرهنگ عمومی گلستان اظهار کرد: با وجود آنکه رهبر معظم انقلاب سال‌ها است به مقوله گفتگو و نشست آزاد در دانشگاه‌ها تأکید دارند اما به دلایلی این امر تاکنون عملی نشده. نماینده ولی فقیه در گلستان با اشاره به بحث آزاد در دانشگاه‌ها، افزود: بحث آزاد در دانشگاه‌ها این نیست که عده‌ای فقط صحبت کنند و هر چی دلشان می‌خواهد بگویند، بلکه باید گفتگو دو طرفه باشد. وی بیان کرد: همه باید بتوانند حرف بزنند و به صورت منطقی و با پرهیز از نگاه تحکم آمیز به سوالات آنها پاسخ داده شود لذا ما باید این راه را برای نسل جوان باز کنیم. نورمفیدی تأکید کرد: جامعه نیاز به گفتگو دارد، گفتگو هم نباید محدود به یک عده خاص شود، اینگونه رفتارها زخم بر پیکر جامعه وارد می‌کند. امام جمعه گرگان با بیان اینکه برخی سخت‌گیری‌ها در شرایط فعلی جامعه اثر معکوس بر جا می‌گذارد، گفت: سخت‌گیری‌ها درست نیست و جواب هم نمی‌دهد آن هم در این دنیایی که دشمن با آن همه تبلیغات و هیجانه‌های گسترده در حال القای فرهنگ خود به جوانان ما است.

»»

تصفیه‌خانه‌های صنعتی اجرامی شود

معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت گلستان گفت: ایجاد تصفیه‌خانه و بازچرخانی آب در شهرک‌های صنعتی در راستای حمایت از محیط زیست و توسعه فضای سبز اجرا می‌شود. علی رسولیان در حاشیه بازدید از واحد صنایع غذایی و تبدیلی در شهرک صنعتی کردکوی افزود: دولت سیزدهم اعتبارات خوبی برای ایجاد زیرساخت مورد نیاز شهرک‌های صنعتی از جمله ایجاد و توسعه تصفیه‌خانه‌ها مصوب کرده که در حال تخصیص است. وی افزود: ۲۶۷ مدول تصفیه‌خانه در شهرک‌های صنعتی کشور در دست بهره‌برداری است که آخرین نمونه آن در شهرک صنعتی آق‌قلا مورد بهره‌برداری قرار گرفت. وی از متقاضیان دریافت زمین در شهرک‌های صنعتی خواست از زمین‌های در اختیار برای سرمایه‌گذاری استفاده کنند در غیر اینصورت زمین به افراد دیگر واگذار می‌شود. به گفته وی در ۶ ماه نخست امسال ۴۰۰ زمین به متقاضیان واگذار شد. معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت همچنین از ۲ واحد تولیدی شامل صنایع غذایی و تبدیلی و یخچال‌سازی در شهرک صنعتی کردکوی بازدید کرد و از نزدیک با موانع رونق تولید و پایداری آن آشنا شد.

حمایت از تولید پوشاک ایرانی بر همه دستگاه‌ها واجب است

وزیر صنعت، معدن و تجارت در بازدید از دهمین نمایشگاه بین‌المللی پوشاک با تأکید بر لزوم حمایت از تولید داخلی گفت: حمایت از پوشاک باکیفیت ایرانی بر همه دستگاه‌ها واجب است. سید رضا فاطمی امین که در جریان برگزاری دهمین نمایشگاه پوشاک از غرفه برند باریس بازدید می‌کرد به پاسخ مثبت بازار به پوشاک ساخت داخل اشاره و اظهار کرد: تجربه نشان داده است که محصول با کیفیت ایرانی همواره مورد استقبال قرار گرفته است. وی با ابراز امیدواری از اینکه برندهای پوشاک کشورمان مانند

آیتم‌های وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، تلاش خواهیم کرد این مهم میسر و شهرستان آق‌قلا، ثبت ملی این حوزه شود. فرماندار آق‌قلا با بیان اینکه این شهرستان یکی از شهرستان‌های دارای پتانسیل برای رشد و توسعه صنایع دستی است، گفت: مرکز تخصصی ساخت زیور آلات سنتی ترکمن در ماه‌های گذشته افتتاح شد و چند خانه صنایع دستی داریم. وی تأکید کرد: توسعه صنایع دستی قطعاً می‌تواند به افزایش تولید ثروت و توسعه گردشگری منطقه منجر شود. هاشمی با بیان اینکه هنرمندان این رشته با خلق آثار خود مفاهیم و هویت فرهنگی مردم منطقه را حفظ و به نسل‌های بعدی منتقل می‌کنند، گفت: زیورآلات ترکمن که به طور عمده شامل زیورآلات زنان این قوم است، توسط تعداد معدودی از صنعتگران ترکمن ساخته می‌شود. فرماندار آق‌قلا همچنین از افتتاح بازارچه صنایع دستی این شهرستان در دهه فجر خبر داد.

آق‌قلا شهر ملی زیورآلات معرفی می‌شود

فرماندار آق‌قلا گفت: پیشنهاد ثبت شهرستان آق‌قلا به عنوان شهر ملی زیورآلات قوم ترکمن به وزارت میراث فرهنگی ارسال شده است. به گزارش روابط عمومی، سلیمان هاشمی اظهار کرد: پیشنهاد ثبت شهرستان آق‌قلا به عنوان شهر ملی زیورآلات قوم ترکمن به کشور ارسال شده و براساس

آفت شپشک آرد آلود پنبه شناسایی شد

می‌شود و از شیره قسمت‌های مختلف گیاهان تغذیه می‌کند و در مدت فعالیت، خود را به گیاه چسبانده و لایه‌ای از پوشش پودری به دور خود ترشح می‌کند که نقش حفاظت از آن را به عهده دارد. وی افزود: برای مبارزه با این آفات باید برگ‌ها و شاخه‌های آلوده گیاه را قطع و در زیر خاک مدفون کرد و یک نوع کفشدوزک که در استان گلستان هم زیست می‌کند را می‌توان در مبارزه بیولوژیک علیه این آفت مورد استفاده قرار داد. مدیر حفظ نباتات سازمان جهاد کشاورزی گلستان اظهار داشت: همچنین بهترین راه مبارزه شیمیایی استفاده از سمومی است که وارد جریان شیره گیاهی شده و به دلیل استفاده حشره از شیره گیاه در نهایت وارد بدن حشره می‌شود، چنین سمومی راسموم سیستمیک می‌نامند. کشت پنبه در گلستان که به سرزمین طلای سفید معروف است، هر ساله با مساعد بودن شرایط آب و هوایی از اواسط فروردین ماه با ریختن بذر در زمین آغاز و با برداشت محصول در شهریور و مهر به پایان می‌رسد.



شد. حق‌نما ادامه داد: این آفت که به صورت نقاط سفید و پودری است قابلیت خسارت‌زایی ۳۰ تا ۸۰ درصدی بر روی گیاه میزبان دارد و شیره گیاه را مکیده و باعث از بین رفتن بوته، کاهش عملکرد و کوچک شدن میوه آن می‌شود. به گفته وی، شپشک آردآلود یکی از آفات خطرناک گیاهان به حساب می‌آید که به صورت گروهی به گیاه حمله کرده و با ایجاد زخم و مکیدن شیره گیاه باعث نابودی آن

مدیر حفظ نباتات سازمان جهاد کشاورزی گلستان گفت: برای نخستین بار در کشور آفت شپشک آردآلود پنبه به شکل محدود در شهرستان‌های گرگان و رامیان شناسایی شد. گیانوش حق‌نما اظهار داشت: نمونه این آفت که پیش از این در مزارع پنبه کشورهای پاکستان و هندوستان باعث بروز خسارت شد، در استان گلستان جمع‌آوری و توسط موسسه تحقیقات گیاه‌پزشکی کشور مورد تأیید قرار گرفته است. وی افزود: این آفت که به شکل خیلی محدود در حاشیه زمین‌های کشاورزی اختصاص یافته به کشت پنبه در گرگان و رامیان قبل از گسترش در سطح مزارع مشاهده شد، تاکنون خسارتی به کشاورزان گلستان وارد نکرده است. مدیر حفظ نباتات سازمان جهاد کشاورزی گلستان گفت: ۲۰۴ گونه گیاهی از جمله گوجه فرنگی، کنبند، آفتاب‌گردان، هندوانه، خربزه، خیار، ذرت، انار، انجیر و مرکبات میزبان آفت شپشک آردآلود هستند و برای نخستین بار در کشور این آفت بر روی پنبه در این استان مشاهده

گزارش میدانی گلشن مهر از یکی از مدارس استثنائی گلستان؛

من می توانم هنگام سختی چون کوه باشم...

سراغ نقاط اصلی می رویم. این معلم پایه پیش دبستانی مدرسه استثنائی مهر گرگان نیز همانند سایر معلم ها و خانواده ها از شرایط رفاهی و امکانات آموزشی در مدرسه راضی است. او به دوران کرونا به عنوان یکی از سخت ترین دوره های آموزشی اش اشاره کرد و گفت: شرایط سختی بود و این وضع باعث شده بود تا کلاس های حضوری تعطیل شوند. مدیر مدرسه مهر گرگان نیز در خصوص شرایط تحصیل دانش آموزان در دوران کرونا گفت: در این دوران کودکان به امکانات خاصی برای تحصیل نیاز داشتند که باعث شده بود در ابتدا با شرایط سختی روبرو شویم. عاشوری ادامه داد: با وجود اینکه معلمان عملکرد خوبی داشتند اما دانش آموزان برای انجام تکالیف خود با معضلاتی روبرو بودند. وی افزود: تمامی کلاس های مدرسه مجهز به بوردهای هوشمند و امکانات نرم افزاری بود و آموزش های معلمان در این نرم افزارها ضبط و برای دانش آموزان ارسال می شد. از رئیس اداره آموزش و پرورش استثنائی گلستان در خصوص مدیریت آموزش در دوران کرونا پرسیدم و وی پاسخ داد: اداره آموزش و پرورش استثنائی یکی از پیشروترین نهادها در مدیریت ویروس کرونا بود. خانعلی در ادامه گفت: با توجه به اینکه شیوه ی آموزشی این اداره به صورت فردی است، در این دوران نسبت به تولید دست افزار و نوشت افزار اقدام کردیم. وی افزود: در این ایام تکالیف فردی برای هر دانش آموز که توان حضور در کلاس های مجازی را نداشت به درب منزل وی ارسال می شد. رئیس اداره آموزش و پرورش استثنائی گلستان با بیان اینکه تمامی مدارس استان به ابزارهای دریافت و پرداخت تجهیز هستند، گفت: در این دوران نسبت به تهیه ی رایانه همراه برای برخی از دانش آموزان دارای محدودیت های جسمی و حرکتی که از این امکانات بی بهره بودند، اقدام کردیم. وی در پاسخ به این سوال که این اداره توانایی ارائه نرم افزارهای آموزشی برای دانش آموزان را دارد یا خیر، گفت: در سطح استان در این امور اقداماتی انجام نمی شود، اما در سطح کشور نرم افزارهای گویا که مورد استفاده این کودکان بوده در حال تولید است. خانعلی ادامه داد: یکی از نیازهای ما در حوزه نرم افزار، افزودن قابلیت هایی به نرم افزارهای عمومی است تا کودکان



دادن امور شخصی اش با مشکل خاصی روبرو نباشد. از مادرش در خصوص اثرات حضور فرزندش در این مدرسه پرسیدم که گفت: پسرم با ورود به این مدرسه شرایط بهتری به دست آورده است. مادر محمد اظهار کرد: او کلاس اول ابتدایی بوده و آموزش هایی که دریافت می کند تاثیر خوبی بر وی گذاشته. مادر این کودک روشندل گلستانی با بیان اینکه حضور فرزندش در مدرسه استثنائی انتخاب صحیحی برای او بوده، افزود: اکنون محمد در مراحل ابتدایی آموزش است و بر اساس گفته معلمش پس از عبور از دوران ابتدایی و با یادگیری خط بریل امکان حضور وی در مدرسه عادی وجود دارد. خانعلی نیز با این گفته موافق بود. وی در پاسخ

نگاه کلی متوجه می شوم که مدرسه از نظر امکانات در وضع خوبی قرار دارد. مدیر مدرسه استثنائی مهر گرگان در خصوص وضعیت امکانات مدرسه گفت: از هیچ اقدامی برای تجهیز مدرسه و تسهیل در روند آموزش کودکان مضایقه نمی کنیم. صدیقه عاشوری می گوید: تلاش کردیم تا تمامی کلاس ها هوشمند شده و با ارتباطی که با مراکز توانبخشی در پایتخت برقرار کردیم، تجهیزات مورد نیاز دانش آموزان فراهم آوریم. وی افزود: در حوزه توانبخشی نیز با تهیه ویلچر، واکر و اتاق کاردرمانی برای اجرایی شدن بخشی از درمان این کودکان در مدرسه اقداماتی انجام شده است. رئیس اداره آموزش و پرورش استثنائی گلستان نیز

مریم جعفری- در تقویم اواسط مهرماه به عنوان روز جهانی کودک ثبت شده و این یک یادآوری بود تا کودکانی با شرایط خاص در ذهنم پدیدار شوند. کودکانی با نیازهای ویژه که جامعه در اکثر مواقع به آن ها سخت گرفته است. بدیهی است که یکی از معضلات نگرانی هایی که در مورد این کودکان داریم در حوزه های آموزشی بود. بر این اساس با یک مدیر مدرسه آموزش استثنائی تماس گرفته و قرار ملاقاتی برای حضور در مدرسه گذاشتم. قرار بر این بود به بهانه ی روز جهانی نایبایان مراسمی برای گرامیداشت دانش آموزان کم بینا و نابینای مدرسه برگزار شود. راس ساعتی که مقرر شده بود، به مدرسه رسیدم. صندلی های خالی در حیاط نشانگر این بود که هنوز زمان زیادی تا آغاز جشن مانده. روی یکی از صندلی های خالی نشسته و نگاهم را به اطراف چرخاندم. چند نفری که از روی ظاهرشان می شد تشخیص داد معلمان مدرسه هستند، در بین کلاس ها و حیاط در رفت و آمد بودند تا امکانات را مهیا و جشن عسای سفید به بهترین نحو برگزار شود. مشغول یادداشت برداری بودم که صدای دخترکی باعث شد سرم را از روی دفترچه بردارم.

« خانم جشنه؟» مری با حوصله پاسخ داد: « آره عزیزم، برای شما جشن گرفتیم. از توی آفتاب برو کنار چشمت اذیت میشه» دخترک آرام به سمتی رفت که میز شیشه ای قرار داشت. با نگاهم دنبالش کردم که مبادا با میز برخورد کند اما انگار عدم بینایی به معنای عدم بینش نیست. به آرامی از کنار میز رد شد و بر روی یکی از صندلی ها نشست. کم کم باقی بچه ها به حیاط اضافه می شدند. مریبان ویلچرهای کودکان را به حیاط آورده و آن ها را آماده ی حضور در جشن می کردند. تمام صندلی ها پر شد و مدیران حاضر در مراسم نیز بر صندلی ها مخصوص خود نشستند. برنامه ها یکی پس از دیگری برگزار می شد. اجرای سرود، اجرای نمایش و دکلمه. اما حرف مشترک تمامی برنامه ها یکی بود؛ من می توانم. البته که کاملاً حرف درستی بود. یکی از مهم ترین مباحثی که جامعه باید آن را درک کند، این موضوع است که همه ی کودکان با هر شرایطی توانایی آموختن دارند. از دیدگاه آموزشی، دانش آموزان به عنوان استثنائی مدنظر قرار نمی گیرند، مگر اینکه لازم باشد برنامه آموزشی برای کمک به آن

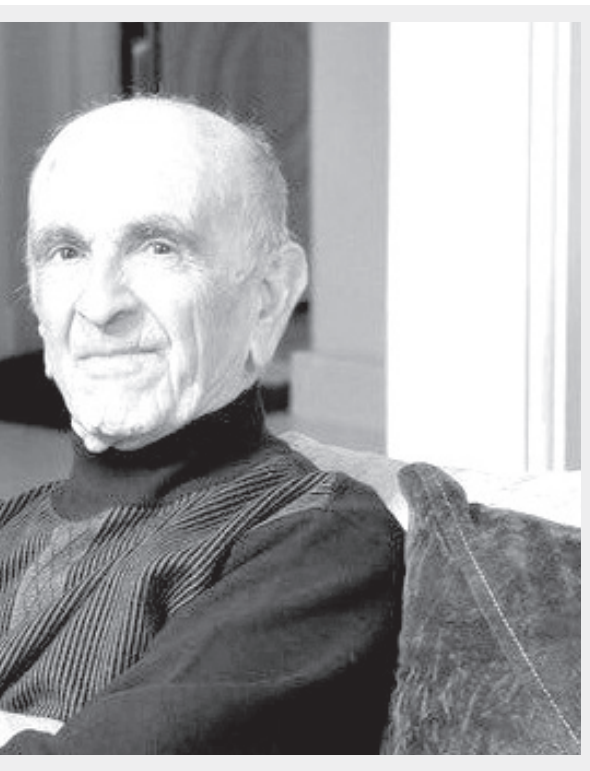
چنانچه دانش آموزی در مدرسه عادی تحصیل کند و دو سال پیاپی در یک مقطع مردود شود، توسط کارشناسان مورد ارزیابی قرار گرفته و در صورت لزوم به مدرسه استثنائی وارد می شود

با سخنان مدیر مدرسه مهر گرگان در خصوص عدم کمبود امکانات موافق بود. به عقیده وی در این حوزه هیچ کمبودی وجود نداشته و مدارس استثنائی گلستان در شرایط ایده آلی از منظر امکانات آموزشی برخوردار هستند. خانعلی در ادامه تصریح کرد: مهم ترین مضملی که ما با آن روبرو هستیم کمبود نیروی انسانی در حوزه توانبخشی است. وی افزود: چند سالی است که آموزش و پرورش استثنائی سیاست جدیدی برگزیده که بر اساس آن معلمان خاص معلولیتی تربیت نمی شود. رئیس اداره آموزش و پرورش استثنائی گلستان گفت: بر این اساس برای رفع نیاز در حوزه نیروی انسانی، ما آموزگاران استثنائی تربیت کرده تا تمامی گروه های معلولیتی را پوشش دهند. خانعلی در ادامه سخنانش اظهار کرد: ما در مدارس استثنائی تمامی مهارت های اجتماعی، اقتصادی و خودیاری را به کودک آموزش می دهیم اما جامعه آگاهی لازم را برای پذیرش و تعمیق این یادگیری ها ندارد. وی افزود: در ادامه ی این عدم درک جامعه، برخی خانواده ها از حضور فرزندانشان در مدارس استثنائی امتناع می کنند که این امری اشتباه است. رئیس اداره آموزش و پرورش استثنائی گلستان خاطر نشان کرد: حضور کودکان در چنین مدرسی که متناسب با ظرفیت ها و محدودیت های وی بوده، نقطه قوتی است که می تواند موجب تسهیل در روند زندگی کودک و رشد بهتر او شود. به سالن مدرسه رفته. زنی به در یکی از کلاس ها تکیه داده و داخل کلاس را نگاه می کند. رد نگاهش را گرفتم که به پسر بچه ای می رسید. کودک نابینا بود و به نظر می رسید در انجام

به این سوال که امکان حضور کودکان با شرایط ویژه در مدارس عادی وجود دارد یا خیر، گفت: از هر دو مسیر امکان تغییر مدرسه برای دانش آموزان وجود دارد. رئیس اداره آموزش و پرورش استثنائی گلستان ادامه داد: چنانچه دانش آموزی در مدرسه عادی تحصیل کند و دو سال پیاپی در یک مقطع مردود شود، توسط کارشناسان مورد ارزیابی قرار گرفته و در صورت لزوم به مدرسه استثنائی وارد می شود. وی افزود: در مقابل به مدرسه استثنائی وارد می شود. وی افزود: در مقابل نیز اگر دانش آموزی که در مدارس استثنائی مشغول به تحصیل بوده، روند رو به رشد داشته باشد برای ادامه ی تحصیل به مدارس عادی معرفی خواهد شد. جشن هنوز ادامه داشت. دانش آموزان با شوق دست ها را به هم می کوبیدند و خوشحال بودند. در میان جمعیت نگاهم به دختری افتاد که به نظر نمی رسید دانش آموز این مدرسه باشد. پس از پرس و جو متوجه شدم که معلم مدرسه بوده و سال هاست در این حوزه تدریس می کند. سیده مریم موسوی معلم پایه ی پیش دبستانی مدرسه مهر گرگان است. در کنارش نشستم و از شرایط تدریسش برایم سخن گفت. این معلم مدرسه استثنائی مهر گرگان در خصوص روند تدریس برای دانش آموزانش که آن ها نیز همانند خود او روشندل هستند، اظهار کرد: هر دانش آموزی در بدو ورود ارزیابی می شود و در این ارزیابی توانایی دست او و قدرت لامسه اش مورد آزمایش قرار می گیرد. وی افزود: پس از مدتی و عبور از آموزش های عمومی وارد مرحله ی بریل آموزشی می شویم. موسوی ادامه داد: در این مرحله دانش آموز با نقاط مصنوعی بریل آشنا شده و سپس به

با نیاز ویژه نیز بتوانند همانند سایر مردم از آن ها بهره مند شوند. رئیس اداره آموزش و پرورش استثنائی گلستان با اظهار امیدواری نسبت به مورد توجه قرار گرفتن این نگرش توسط طراحان نرم افزار کشور، گفت: تولیدکنندگان ما باید نرم افزارهای خود را برای همه ی افراد تولید کرده تا همه اقشار با همه ی نیازها بتوانند از این ظرفیت استفاده کنند. حالا جشن به پایان رسیده. بچه ها خرسند از روزی که به شادی گذشته به کلاس ها بازمی گردند. من نیز به سالن مدرسه بر می گردم. کلاس ها کوچک و تعداد دانش آموزان در هر کلاس اندک است اما در همین کلاس کوچک امکانات به خوبی مهیاست. لیختندی که بر لب کودکان نشسته حاکی از رضایت بوده و نشان می دهد سختی ها و مشقت های جامعه راه به این مدرسه نیافته اند. شاید نقطه قوت مدرسه این باشد؛ که با وجود بی مهری های موجود در جامعه نسبت به کودکان با نیاز ویژه، مدرسه مهر ممانی امن برای آن هاست که اگرچه این کودکان با خیال راحت نمی توانند در پارک های سطح شهر بدونند، اما از لحاظ آموزش کمبودی ندارند که با وجود نگاه های نامالایم جامعه به نیازهای این کودکان، معلمان و مدیران مدارس استثنائی نگاه حمایتی به آن ها دارند. به حیاط بازمی گردم. دخترکی که در ابتدای جشن دیده بودم هنوز در حیاط است. با صدای نازک و بچه گانه اش می گوید: « من می توانم هنگام سختی چون کوه باشم... خانم معلم خوب شعر خواندم؟ » معلم که سرگرم کمک به یکی از دانش آموزان است در پاسخ به دخترکی می گوید: « عالی. مثل خودت.»

پژوهش ضعیف



کلاس دوازده را که تمام کردم سال ۱۳۳۵ بود باز باید می رفتیم تهران در کنکور شرکت می کردیم. در آن سال ها کنکورها به صورت امروزی که سراسری هست نبود بلکه هر دانشکده نه دانشگاه برای خودش جداگانه کنکور می گرفت مثلا دانشگاه تهران ده دوازده تا دانشکده داشت. هر دانشکده ای برای خودش جداگانه می گرفت. داوطلب بعضی مواقع نمی توانست دو جا شرکت کند، حقیقتش من دو جا شرکت کردم. یکی پزشکی شرکت کردم و دیگری کشاورزی. پزشکی نمره نیاوردم ولی کشاورزی را قبول شدم. در آن زمان فقط تبریز و شیراز بود. بعضی از گرگانی ها رفته بودند آنجا مثلا دکتر ابراهیمی دانشکده کشاورزی تبریز بود. آقای صفاغری آنجا داروسازی قبول شده بود و ما هم که در تهران بودیم. من البته بعد از اینکه دو تا امتحان را دادم چند روزی آمدم گرگان و ماندم دیدم کاری ندارم، برگشتم تهران در خیابان ناصر خسرو پاساژی بود گرگانیها آنجا جمع می شدند یکی ازین گرگانیها که هم کلاس منم بود گفت مثل اینکه تو قبول شدی گفتیم کجا؟ خودم انتظار نداشتم گفت تو و یک ترکمن قبول شدید که هم کلاس بودیم. آن موقع گنبد کلاس ده و دوازده نداشت. آنهایی که در گنبد درس می خواندند، برای اینکه بخوانند کلاس ده بروند می آمدند گرگان در آنجا صد تا دانشجو می پذیرفت، دانشکده کشاورزی کرج ازین صد تا به ده نفر اول ماهانه صد تومان می داد به ده نفر بعدی که تا بیستم باشد هشتاد تومان من نفر یازدهم بودم. ماهی هشتاد تومان می گرفتم البته سالهای بعد آمدم جزو ده نفر اول. این هشتاد تومان که می گرفتیم چون آنجا شبانه روزی بود کفایت می کرد. مخارج خورد و خوراک ما رو و غذای آنجا نسبتا ارزان بود مثلا چلوکیاب می دادند. روزهای جمعه صبحانه پنج شش ریال می شد در هر صورت ما با این هشتاد تومان می توانستیم خودمان را اداره کنیم. لباس هایمان را آنجا می شستند. چهار سال آنجا زندگی کردیم و بهترین خاطرات را من از همان دوران چهارساله دارم سال ۳۵ تا ۳۹ در دانشگاه بودم و کارشناسی ارشد گرفتم.

چهار ساله کارشناسی ارشد گرفتید؟ بله دوره های سه ساله را لیسانس می دادند. آنهایی که یک سال بعد درس می خواندند، می آمدند فوق لیسانس می دادند دو تا دانشکده بودند که چهار ساله شده بودند یکی دانشکده ی فنی بود تهران یکی هم دانشکده ی کشاورزی، اینها چهارساله شده بودند و فوق لیسانس می دادند. البته دو سال اول درس های عمومی می خواندیم و دو سال بعد تخصصی. چندین رشته بود که هر کسی مطابق علاقه یا نمره می رفت انتخاب می کرد، یکی از رشته هایی که بود و علاقه داشتم رشته دفع آفات بود که الان می گویند گیاهپزشکی، ما ثبت نام کردیم و برای فارغ التحصیلی باید پایان نامه ارایه می دادیم برای پایان نامه هم باید یکی از استادان را انتخاب می کردیم که پایان نامه را قبول بکند در آن زمان گیاهپزشکی دو قسمت عمده داشت، قسمت آفات و قسمت بیماری ها. قسمت آفات آنهایی هستند که با حشره سرو کار دارند و به گیاهان صدمه می زند مثلا کنه یا موش و پرنده ها و ... اینها جزو آفات میگویند گروه دیگر بیماری هاست که بیشتر فیزیولوژی گیاه رو به هم می زند مثلا حشره برگ را میخورد اما آثار و خسارت فرق دارد. آن زمان آفات خیلی ملموس بود. من هم قسمت آفات رفتم و یکی از این استادانی که خیلی پرکار و جدی و با معلومات بود را انتخاب کردم و گفتم می خواهم درباره کرم انار رساله بگیرم چون تمام مدتی که در گرگان بودم، می رفتم سر باغ پدری و به اندازه ی توانایی ام کمک می کردم و کم و بیش به آن مسایل که در آنجا مطرح بود برای کشاورزان آشنایی داشتم. طرز کشت و کار را یاد گرفته بودم، می دانستم چه می کنند و می دانستم چه مشکلاتی دارند که نمی توانند از عهده اش بر بیایند. رفتم رشته ی دفع آفات به این دلیل که می دیدم کشاورزان به صورت سنتی زمین را شخم می زدند، آبیاری می کنند و هیچ وقت احساس ناراحتی و شکایت نداشتند، شاید نمی دانستند اگر وضع تغییر کند بهتر می شود. موقعی که مشکل گیاهپزشکی برایشان پیدا می شد نمی دانستند، چه کنند

گلشن مهر _ گفتگوی ما با پژوهشگری است که نزدیک به نیم قرن وقت خود را صرف مبارزه با آلودگیهای قارچی و آفات بخش کشاورزی کرده است. آثار او در ایران و جهان منتشر شده و بعنوان مبنای کار پژوهشی از آنها بهره برده اند، چندی پیش به پاس تلاشهای این استاد پژوهشگر در مراسمی از دکتر جعفر ارشاد قدردانی شد به این بهانه گفتگوی ما را با ایشان بخوانید.

با سلام خدمت شما و عرض تشکر از حضورتان در این گفت و گو، لطفا خودتان را برای خوانندگان ما معرفی کنید؟ با سلام خدمت شما و مخاطبان گلشن مهر و ضمن تشکر، عرض کنم من جعفر ارشاد هستم، دهم شهریور ماه ۱۳۱۵ به دنیا آمده ام، خانه ی پدری ام در محله ی سرپیر که یکی از محلات قدیمی گرگان است واقع شده. این خانه هنوز پابرجا هست گرچه نسبت به آن وقتی که من دنیا آمدم تغییراتی اساسی پیدا کرده اما هنوز در محل خودش باقی است. وقتی کوچک بودم مادرم من را به مکتب می برد، می گفتند ملاخانه. اولین مکان یادگیری من، مکتب خانه ی زن عموی پدرم بود. در کوچکی ای که پدر بزرگ می نشست، سه چهار ساله بودم با برادر کوچکترم که اسمش امین بود و بعدها فوت کرد، بعد از آن به ملاخانه ی دیگری که خانم نصیری صاحب آن بود، می رفتیم. نزدیک سرچشمه آنجا دیگر تعداد زیادی بچه بودند، قرآن و ... می خواندند. واقعیت این است که چیزهایی که باید یاد می گرفتیم را یاد نمی دادند.

چطور یاد نمی دادند آقای دکتر؟ بله روش تدریس اینگونه بود که ملا، بچه های جدید را به بچه های بزرگتر واگذار می کرد و آنها هم چیزی یاد نمی دادند. من تا سن هشت سالگی و برادرم تا سن هفت سالگی دیگر نه ملا می رفتیم و نه مدرسه. یک روزی مادر بزرگم (مادر پدری ام) به پدرم گفت برای این بچه ها کاری بکن و بعد خودش ما را برد بیمارستان که بعدها نامش ۵ آذر شد. هر بچه ای که می خواست برود مدرسه حتما باید می رفت، آبله کوبی می کرد. آبله ی ما را زد و بعد هم آورد. مدرسه ی فردوسی جایش الان مدرسه دارالشفا است. شمال نعلبندان بود، ثبت نام کرد و یکی از فامیل های مادری مان آقای مهدی مومنی آنجا مدیر مدرسه بود. ما کلاس اول و دوم آنجا بودیم، یادم هست معلم کلاس اول ما آقای مصطفوی و سال دوم آقای جعفریان بود. بعد از دوم به دبیرستان ایرانشهر امروزی منتقل شدیم و سوم و چهارم ابتدایی آنجا بودیم. در چهارم آن موقع دانشسرای ها آنجا طبقه ی دوم بودند و ما که ابتدایی بودیم طبقه ی اول. یادم است در همان زمان کلاس چهارم که بودیم تازه هواپیما آمده بود. روزهای دوشنبه مردم می رفتند هواپیما را تماشا کنند برای مردم تفریح بود همین محل فرودگاهی که الان هست. کلاس پنجم باز دبستان فردوسی را بردند کنار بیمارستان ۵ آذر فعلی. محوطه ای جلویش بود به نام سبزه میدان که الان باشگاه تختی است. زمین فوتبال بود بعدش باغ ماند بود دو ماهی بیشتر نبودیم بعد دبستان فردوسی را آوردند اطراف فلکه ی شهرداری جایی که امروزه بانک صادرات هست آنجا ما طبقه ی بالا بودیم تا ششم. کلاس ششم که تمام شد سال ۱۳۲۹ رفتیم دبیرستان ثبت نام کنیم آن وقت فقط یک دبیرستان بیشتر نبود در گرگان همین دبیرستان ایرانشهر آن وقت شاگردهای دبیرستان ایرانشهر زیاد بودند و دو تا کلاس داشت و زبان فرانسه تدریس می کردند تا کلاس یازده هم بیشتر نداشت ثبت نام کردیم و چند ماهی که از سال گذاشته بود معلم انگلیسی زبان برای گرگان آوردند بعد گفتند هر کسی می خواهد برود انگلیسی برود ثبت نام کند و هر کسی هم می خواهد فرانسه بخواند. در آن زمان کسی نبود که بخوایم مشورت کنیم فقط دایی ای داشتیم که تا کلاس نهم خوانده بود و اطلاعاتی داشت. به من گفت همان فرانسه بخوان بهتر است و البته فرانسه که خواندی می توانی انگلیسی یاد بگیری و من همان فرانسه ماندم. کم کم تمایل به سمت انگلیسی خیلی بیشتر شد و افراد علاقمند بودند که بروند بخوانند تا رسیدیم کلاس یازده تا کلاس یازده درس های عمومی بود وقتی هم که کسی فارغ التحصیل می شد از کلاس یازده دیپلمی می دادند که می توانست کار بگیرد یعنی فارغ التحصیل حسابش می کردند و کلاس دوازده اگر کسی می خواست برود رشته ای می شد فقط یکسال رشته ای می شد کسی می خواست برود دانشگاه باید دوازده می رفت و گر نه از لحاظ کار گرفتن مثلا معلم بشود یا ... همان یازده کفایت می کرد.

شما چه رشته ای درس خواندید؟ یکسال قبل از اینکه کلاس دوازده بروم گرگان کلاس دوازده را ایجاد کرد در رشته طبیعی که الان میگویند، علوم تجربی. دومین سالی بود که آنجا درس می خواندیم البته رشته دیگری هم نبود. من درسهای ریاضی ام بهتر بود ولی چاره ای نداشتیم و گر نه باید می رفتیم شهرستان دیگری که درس بخوانم. مثلا مشهد یا ساری چون خیلی ها می رفتند این طرف آن طرف.

الان به دلیل مسایل اقتصادی و به دلیل و این باعث شده که افت کند. چون وقتی میخواهید تحقیق دارید ولی تحقیقات میدانی که بخواهید بروی

؟وقتی مثلا حشره ای آمده و محصول را خورده، مستاصل می شدند. من به این خاطر رفتم که کمکی بکنم برای همین به استادم گفتم می خواهم کرم انار را بگیرم چون در گرگان می دیدم کرم انار چقدر به انارها خسارت می زند، می پوساند. استاد گفت این پیشنهاد خوبی است اما اول ما کرج هستیم و تا آنجایی که انار کشت می شود فاصله زیاد داری، باید بروی و بیایی و ... باید کاری کنی که در عرض دو سال تمام بشود و ایشان به من پیشنهاد کرد که مگس چغندر قند را انتخاب کنم چون در کرج خیلی کشت می شد، هنوزم کشت می شود. همان را انتخاب کردیم و با نمره ی نسبتا خوب به اتمام رساندم.

در چه سالی دانش آموخته شدید؟ در سال ۳۹ فارغ التحصیل شدم باید وضع سربازی ام روشن می شد تا یک سال قبل از ما دیپلمه ها افسر می شدند، از آن سال گفتند باید درجه دار بشوند و لیسانسه ها بروند افسری و

شهرستان، آمار کشت دانه روغنی کلزا قابل توجه نباشد. عبدالملک آرخی ابراز امیدواری کرد با افزایش بارش ها در روزها و ماههای پیش رو (فصل پاییز)، شاهد کشت زراعت پاییزه در گنبدکاووس باشیم ضمن اینکه کشاورزانی که دسترسی به منابع آبی دارند قبل از کشت باید اراضی خود را آبیاری کنند. رییس اداره هواشناسی گنبدکاووس گفت: از اول مهر امسال تاکنون در مجموع ۱۲.۵ میلی متر باران در این شهرستان باردید که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۷۳ درصد و در مقایسه با دوره آماری ۲۵ ساله ۵۷ درصد کاهش دارد. منصور فرشاد افزود: کمترین میزان بارش این مدت در منطقه قره ماخر از توابع بخش داشلی برون با هشت دهم میلی متر و بیشترین آن مربوط به روستای کاکا از توابع بخش مرکزی با هفت میلی متر بوده است.

بارش ۱۲.۵ میلی متر باران از ابتدای سال آبی و زارعی جاری (اول مهرماه امسال تاکنون) در گنبدکاووس با اقلیم خشک و نیمه بیابانی به اعتقاد کارشناسان بخش زارعت، زنگ خطر خشکسالی را در این شهرستان به عنوان قطب مهم تولیدات کشاورزی گلستان را به صدا درآورده است. به گزارش ایرنا، گنبدکاووس افزون بر ۱۶۰ هزار هکتار اراضی زراعی و باغی دارد که سالانه یک میلیون تن (معادل یک پنجم تولیدات بخش کشاورزی گلستان) انواع محصول و فرآورده های آن در این شهرستان تولید و روانه بازارهای مصرف داخل و خارج کشور می شود. از چندی قبل فصل کاشت چهار محصول و زراعت پاییزه شامل دانه روغنی کلزا، چغندر قند، گندم و جو با پیشگامی دانه روغنی کلزا آغاز شده اما کم بارشی سبب شده که به گفته سرپرست مدیریت جهادکشاورزی این

زنگ خطر خشکسالی در گنبد کاووس به صدا در آمد

ف شده است



بل کمبود اعتبار کارها ضعیف است بق کنید هم تحقیقات میدانی و هم تحقیقات آزمایشگاهی د در جنگل و عرصه و مزارع نیاز به اعتبار است

دپیلمه ها زیاد بودند در نتیجه هر کسی که از دپیلمه ها داوطلب بود، می گرفتند و اضافه ها معاف می شدند، ولی زمان ما چون با کمبود افسر مواجه بودند همه را بردند برای خدمت. رفتیم خدمت، شش ماه اول یکی دو ماه اونجا بودیم ما به یادگانی در شیراز اعزام شدیم و بعد از نه ماه بعد از آن باز ما را تقسیم کردند به جاهای مختلف. من لشکر ارومیه را انتخاب کردم و بعد رفتیم خودمان را معرفی کردیم و اسممان را نوشتند. لشکر ارومیه سه تا هنگ داشت یک هنگ سلماس امروزی و دو تا هنگ در ارومیه بود. ما افتادیم سلماس ۹۰ ماه دوره نظام آنجا بودم نه ماه دانشجو بودیم و نه ماه افسری بودیم که می شود هجده ماه.

کی خدمت را تمام کردید؟ ۱۵ فروردین ۴۱ بود و مرخص شدم. باید عرض کنم، من فردی هستم که هر کاری که در پیش می گیرم تا آنجا که امکان دارد خوب انجام بدهم روی این اصل در دفترچه پایان خدمتم

هست هشت بار در گروهان تشویق شدم و یک بار در گردان گرچه از نظر جثه قوی نبودم ولی کارم را خوب انجام می دادم. سال ۴۱ وقتی نخست وزیر علی امینی بود آمدم تهران و هر نوع استخدام را ممنوع کرده بود و همان موقع دانشگاه تهران هم شلوغ شده بود و تعطیل بود، مجلس هم تعطیل بود، در مجله فکاهی توفیق عکسی منتشر کرده بودند که نوشته بود شما روی محمدعلی شاه را سفید کردید او مجلس را بسته بود اما تو هم مجلس را بستى و هم ...

طبیعی است بعد از فارغ التحصیلی باید دنبال کار می رفتید؟ کاری پیدا شد؟
از فروردین ماه بیکار بودیم و هر جا که مراجعه می کردیم، می گفتند کاری وجود ندارد و ممنوع است من و دکتر عبدالقیوم ابراهیمی. البته ایشان رفته بود فرانسه و دکترایش را گرفته بود با هم یک اتاقی در سلسبیل کرایه کرده بودیم و با هم بودیم البته ایشان چون فرانسه خوانده بود رفت پیش آقای لاجوردی شرکت بهشهر و روغن شاه پسند بود می رفت آنجا بروشور یا چیزایی از این دست ترجمه می کرد. من بیکار بودم البته من بیشتر اوقات می رفتم جایی کار می کردم بدون اینکه مزدی بگیرم تا اینکه آقای امینی رفت و اعلم روی کار آمد و نخست وزیر شد و ممنوعیت را برداشت و استخدام ها شروع شد. یکی از جاهایی که علاقمند بودم باشم موسسه تحقیقات گیاهپزشکی کشور بود، امتحان گرفت و ۹ نفر را می خواست من نفر اول شدم موسسه تحقیقات گیاهپزشکی کشور از وزارت کشاورزی آن زمان که اسمش موسسه آفات و بیماری های گیاهی بود تغییر نام داد. گفتم که رشته ام گیاه پزشکی آفات بود ولی من به بیماری ها تغییر رشته دادم. بیماری ها که شروع کردم به این نتیجه رسیدم که اینها که در این زمینه کار می کنند مشکلی دارند و آن مشکل شناسایی است. روی این بیماری کار می کنند اما اسمش را نمی دانند. فکر کردم بایستی خودم را قوی کنم. رفتم قسمت شناسایی اینها که قارچ شناسی است. کار اصلی من بیماری ها بود وقت آزادم را روی قارچ شناسی می گذاشتم. خلاصه رفتم به سمت قارچ شناسی سال ۴۳ تعدادی از ما را به ترتیب که نمره آورده بودیم رسمی کردند برای رسمی شدن یکی از شروط این بود که برویم شهرستان به من گفتند کجا میروی گفتم میرم گرگان. حکم را برای گرگان زدند. اولین فردی که برای تحقیقات به گرگان آمد من بودم. آن وقت اداره کشاورزی مازندران ولی بعدها آقای مهدوی نامی بود از وزارت کشاورزی که در علی آباد زمین پنبه کاری داشت اینجا را مستقل کرد و اداره کل شد مکانش هم در هتل میامی بود اداره کشاورزی آنجا بود. البته زمانی که ما دبیرستان بودیم آنجا اداره فرهنگ بود، من تنها کسی بودم که در قسمت تحقیقات روی خربزه کار می کردم بیشتر در ورامین ... بعد خواستند به تهران برگردیم، تهران که رفتیم در سال ۴۴ ازدواج کردیم و سه تا فرزند داشتیم یکی در جوانی فوت کرد، یکی داروساز است در جلین داروخانه دارد، دختر دیگرمان هم فوق لیسانس عمران دارد و در موسسه تحقیقات راه و ساختمان تهران کار می کند.

خاطره خاصی از آن زمان دارید؟ رضا شاه را یادم نمایم، اما جنگ جهانی را یادم است که روس ها آمدند ایران. شهریور ماه بود اول هواپیماها آمدند و مردم را به رعب و وحشت بیندازند بعد خودشان آمدند و مردم می رفتند بیرون شهر. یادم است که رفته بودیم در باغاتی که دست پدرم بود، باغی بود که وکیل الدوله می گفتند، آنجا کانالی داشت کنار کانال نشسته بودیم که اگر بمباران کنند برویم داخل کانال. یادم است که مادر بزرگم تو حوض همه مس ها و ظرف و ظروف رو تو آب کرده بود که در معرض دید نباشد تا دزدی نشود.

معلم ها و آدمهایی که روی شما تاثیر گذاشتند چه کسانی بودند؟ کسی تغییر خاصی در من ایجاد نکرد، سیرم طبیعی بود. تنها کسی که کمی سواد داشت در خانواده دایی ام بود آقای تزرعی بود چهل سالش بود که فوت کرد در سال ۴۵ من

آن سال آلمان بودم. خودم حرکت کردم.

از کجا وارد کارهای پژوهشی شدید؟ دانشکده کار پژوهشی می کردم. موسسه هم کارش تحقیقات بود، مثل انستیتو پاستور. بعضی موسسات کارشان تحقیقاتی است. وقتی می گوئیم تحقیق روی مسائلی است که خودت لااقل نمی دانی چه هست مسایل. وقتی می گویند این گیاه چرا می میرد و عاملش چیست؟ چطور می شود مداوایش کرد؟ و کی باید سم زدو... مسائلی است که در موسسه تحقیق می شود. سال ۴۵ پیشنهاد دادند باید بروی آلمان که در آنجا دوره ی تخصصی ببینی چون من هدفم این بود که دکترا بگیرم قبل از رفتن تمام مدارک را دادم ترجمه کردند به آلمانی. البته به قصد دکتری گرفتن نرفته بودیم ولی از این تعداد آنهایی که فعال بودند میماندند دکترای می گرفتند، من هم بودم.

عمده کارهای پژوهشی که انجام دادید چه کارهایی بوده است؟ در این مدت چهل و چهار سالی که کار می کردم سیزده سال معاون پژوهشی سازمان تحقیقات بودم و در حدود ۱۵۰ مقاله ی تحقیقاتی خود نوشتم و بعضی وقتها شراکتی انجام می دادیم. حدود ۱۳۴ تا از این مقالات در کنفرانسهای علمی ارائه شده است و در حدود ۱۵ یا ۱۶ جلد کتاب از این مقالات را درآمده که آخری پارسال از چاپ درآمد است. حدود ۹۰۰ صفحه است و امسال کتاب دیگری را چاپ می کنم درباره تاریخچه ی همین موسسه ای که در آن مشغول بودم.

الان وضعیت پژوهش را در ایران چگونه می بینید؟ الان به دلیل مسایل اقتصادی و به دلیل کمبود اعتبار کارها ضعیف است و این باعث شده که افت کند. چون وقتی میخواهید تحقیق کنید هم تحقیقات میدانی و هم تحقیقات آزمایشگاهی دارید ولی تحقیقات میدانی که بخواهید بروید در جنگل و عرصه و مزارع نیاز به اعتبار است. آن وقت ما خودمان حق ماموریت می گرفتیم حالا باید چیزی هم بدهیم و آن موادی که مصرف می شود گران قیمت شده است یعنی رشد ندارد در جا زده است. الان در دانشگاه ها هم همین است چون بعضی کارها کتابخانه ای است و هزینه ای ندارد ولی بعضی ها آزمایشگاهی است باید مواد مصرف کنی این مواد هزینه بر است.

کدام بخش از پژوهش هایتان رضایت خودتان را جلب کرد یعنی کاری کردید که ثمره اش را دیدید؟ عرض کردم که چهل و چهار سال کار کردم و مقاله و کتاب نوشتم و خیلی زیاد است مثلا یک بیماری بود که پسته ها را از بین میبرد من عاملش را پیدا کردم که حشره ای چگونگی وارد پسته می شود. ولی مثل مالاریا عامل بیماری را تزریق می کند. من گفتم که باید با حشره که عاملش است مبارزه کنیم. یا در پسته ی ایران قبل از انقلاب به آمریکا صادر می شد، گفتند آلوده به آفات توکسین است و این سمی است که توسط قارچی ترشح می شود و میرود در پسته و مقدار بسیار کم آن قابل مصرف نیست و جلوی صادرات را گرفتند درباره این من چند دستورالعمل نوشتم که باید چه کار کنیم تا آلودگی پایین بیاید. البته من بیشتر با قارچ ها کار کرده ام و تز دکترایم در آلمان موضوعی درباره قارچ های ایران است کاری که در ایران نشده بود و ناشناس مانده بود. تز من که تمام شد همانجا چاپ کردند و به فروش می رفت. نزدیک به چهل، پنجاه سال پیش یا کتابی درباره ی قارچ های ایران به زبان لاتین نوشتم که موسسه ای تعداد زیادی از من خرید و در جهان فروش رفت.

به چند زبان مسلطید؟ من در دوره دبیرستان و دانشگاه فرانسه می خواندم. وقتی شروع به تحقیق کردم، دیدم که فرانسه زیاد کاربرد ندارد، رفتم کلاس انگلیسی. یکی دو سالی رفتم کلاس انگلیسی بعد گفتند باید بروی آلمان و خواندم و تمام مدتی که در آلمان بودم کلاس زبان آلمانی می رفتم ولی انگلیسی سرآمد همه است یعنی آلمانی ها و فرانسوی هم رفتند به سمت انگلیسی که در دنیا حرف اول را می زند.

حرف آخر

هر کسی اگر بخواهد وارد تحقیق بشود باید عاشق باشد چون تحقیقات حوصله می خواهد. اجرا برای امروز است ولی تحقیق برای فردا است ممکن است همین فردا باشد و یا صدسال دیگر. یعنی برای آینده اما اجرا خیلی نمود دارد مثلا کار دفع آفات ما با ملخ مبارزه می کند سم می باشد و می گویند خب کشتند ولی اگر بخواهی تحقیق کنی که چه سمی باید باشی و چه وقت باید باشی این خیلی سال پیش تحقیق شده و اینکه مقدار مصرف چقدر باشد و... پس باید عاشق باشی و اگر راهی را که رفتی، شکست خوردی دلسرد نشوی و از راه دیگر برو.

مسوولان، کار و تلاش برای رفع مشکلات است. وی افزود: همه مدیران و دست اندرکاران نظام و دولت باید به حرمت خون شهیدان و تکلیف قانونی و شرعی و مرام نامه دولت در جهت خدمت بیشتر به مردم تلاش کنند. مهاجرافزود: جهاد تبیین فقط وظیفه مدیران نیست بلکه همه افراد دلسوز و آگاه به مسائل از جمله نخبگان و فعالان سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و معتمدان و رسانه ها باید وارد صحنه جهاد تبیین شوند. وی با اشاره به حوادث و اغتشاشات اخیر در برخی مناطق کشور گفت: هدف دشمن و ضد انقلاب و معاندان از براه انداختن این حوادث که با فریب برخی جوانان در حال انجام است آسیب به اصل انقلاب است و نه دولت سیزدهم که برخی ها هم در این خصوص با دشمن همراهی می کنند. وی افزود: در همان کشورهایی که از حوادث و اغتشاشات در ایران حمایت می کنند، اغتشاش گری و آسیب زدن

خدمت دلسوزانه، بهترین پاسخ دولت سیزدهم به اعتماد مردم است

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار گلستان با تاکید بر تلاش مضاعف دولتمردان برای خدمت به مردم گفت: بهترین پاسخ به اعتماد مردم از سوی دولت سیزدهم، خدمت صادقانه و دلسوزانه است. به گزارش روابط عمومی، سیدعلی مهاجر در نشست با نخبگان و فعالان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کلاله گفت: مردم از بازی های سیاسی خسته شدند و تقاضای آنها از

به اموال عمومی جرم است و شدت با آن برخورد می کنند. مهاجر با تاکید بر ضرورت همراهی همه گروه های سیاسی و اجتماعی با دولت سیزدهم در پیشبرد اهداف انقلاب و رفع مسائل و مشکلات مردم ادامه داد: وقت یقه گیری از همدیگر نیست بلکه زمان دفاع از انقلاب و خدمت بیشتر و دلسوزانه به مردم به عنوان صاحبان اصلی انقلاب است. وی ادامه داد: دشمن جنگ ترکیبی علیه انقلاب اسلامی به راه انداخته و وظیفه همه دلسوزان انقلاب است که با دادن انرژی مثبت به مردم و تزریق روحیه امید به آینده در آنها بویژه نسل جوان انقلاب را به پیش ببریم. مهاجر همچنین از طراحی نرم افزار انتخاب مدیران در گلستان خبر داد و گفت: بر اساس این نرم افزار از ظرفیت نخبگانی و شایستگان همه اقوام و مذاهب ساکن در استان در مناصب اداری و مدیریتی استفاده می شود.

هنر چیق بافی در اسارت شهرنشینی

رشد و نمو "نی" محسوب می‌شود و به این ترتیب ماده اصلی بافت چیق به طور معمول در دسترس است. یکی دیگر از هنرمندان بازممانده آلاچیق بافی ترکمن با اشاره به مراحل ساخت این سازه گفت: به طور معمول بسته‌های ۱۰۰ تایی نی را به قیمت ۱۳۰ تا ۱۴۰ هزار تومان می‌خریم و آن‌ها را به رشته‌هایی به عرض چهار تا ۵ میلیمتر برش می‌زنیم تا مواد اولیه چیق آماده شود. منصور کلتکه اظهار داشت: بافت چیق نیاز به ابزار خاصی ندارد و زنان ترکمن صحرا که نسل به نسل در بافت رج قالی، استادی متبحر شده‌اند به آسانی می‌توانند نی‌ها را به هم ببافند و چیق را آماده کنند. وی ادامه داد: در ادامه رشته‌های نی به خانه زنانی که در این حرفه مشغول هستند، برده می‌شود و آنان در ازای بافت هر مترمربع چیق به قیمت حدود ۲۰ هزار تومان چیق‌ها را می‌بافند. کلتکه گفت: چیق‌های بافته شده به عنوان پرده، نورگیر و سایه‌بان استفاده می‌شود و بخشی از چیق‌ها برای ساخت آلاچیق استفاده می‌شود. وی گفت: ساخت هر متر چیق به طور مستقیم برای ۲ نفر ساعت کار ایجاد می‌کند و به طور معمول حین بافت ۱۰۰ متر چیق حدود ۲۰ نفر روز شاغل هستند. وی گفت: چیق‌های تولیدی در استان‌های گرمسیری مانند سمنان، یزد، کرمان و اصفهان خریداران متعددی دارد و بخشی از زنان و مردان جویای کار از طریق فعالیت در آن کسب روزی می‌کنند. کلتکه اظهار داشت: اشتغال در حوزه چیق بافی سرمایه زیادی نمی‌خواهد و با فراگیری این هنر می‌توان به درآمد روزانه ۳۰۰ هزار تومان رسید. این هنرمند ترکمن گفت: مواد اولیه به نسبت رایگان، عواید ناشی از این هنر را چند برابر کرده و احیای این هنر بومی می‌تواند بخشی از مشکل بیکاری منطقه را کم کند. ایران رتبه دوم تمرکز ترکمن‌ها پس از کشور ترکمنستان را به خود اختصاص داده است اما حالا نشان بسیار اندکی از سبک زندگی ترکمنی در بندر ترکمن یا همان ترکمن صحرا مشاهده می‌شود. یافتن راهکارهایی برای رفع مشکل بیکاری، ایجاد اشتغال پایدار، رونق اقتصادی و افزایش درآمد برای مردم منطقه نیز توجه و حمایت بیشتر از صنایع دستی و تولیدات این بخش‌ها را ضروری کرده است.



ترکمن گفت: در دهه ۲۰ شمسی، پهلوی اول تصمیم گرفت جوانان ترکمن را به سربازی اجباری بفرستد اما با مخالفت ریش‌سفیدان ترکمن مواجه شد و توسل چندباره برای توسل به خشونت و اقناع آنان به ثمر نشت و در نتیجه رضاشاه با بسیج چندگردان ارتشی، هزاران روستای آلاچیق‌نشین ترکمن را به آتش کشید که زمینه نابودی آلاچیق و حذف این سرپناه سبک و عایق را فراهم کرد. ایری توماج در خصوص ویژگی آلاچیق گفت: آلاچیق ترکمن فقط سرپناه خانواده ترکمن نیست بلکه این سازه معماری به دلیل چینش با مهارت چوب‌ها قابلیت استفاده به عنوان رصد ستارگان در شب‌های صاف و ساعت خورشیدی را هم دارد. این هنرمند ترکمن افزود: آلاچیق ترکمن به صورت دایره ساخته می‌شود و همین خاصیت موجب شده که دیگر بالا و پایین نداشته باشد و بی‌نیاز از تعارفات مرسوم در پذیرفتن مهمان یا بزرگ‌ترها باشد. ایری توماج در خصوص دیگر دلایل برچیده شدن آلاچیق‌ها از زندگی ترکمن‌ها اشاره کرد و گفت: دختران و پسران ترکمن به دانشگاه رفته و شغل دولتی می‌گیرند و زندگی در کوچ و چادرنشینی و مشاغل مثل دامپروری برایشان قابل قبول نیست. وی ادامه داد: چوپانی و گله داری به سبب تغییرات اقلیمی و خشکسالی در دشت‌های ترکمن صحرا ممکن نیست و اگر باران هم بیارد هزینه عولفه دام زیاد است و این شیوه زندگی سخت ترکمنی و هزینه‌های بالای آن مورد توجه قرار نمی‌گیرد. نیزارهای حاشیه رودخانه‌ها و سواحل گلستان رویشگاه مناسبی برای

و به ما برادران یاد داد که چگونه با نی این سازه را درست کنیم. عبدالرحمن ایری توماج گفت: چیق، بافت حصیر گونه‌ای است که از شاخه‌های ورق شده نی بافته می‌شود. یک بافتنی زمخت و سخت که در سال‌های گذشته به عنوان عنصر اصلی آلاچیق ترکمن مورد استفاده قرار می‌گرفت. وی گریزی به شنیده هایش از پدر زد و ادامه داد: در کمتر از یک قرن پیش ترکمن‌های ایران در دشت‌های وسیع ترکمن صحرا و بندر ترکمن پراکنده بودند و زندگی کوچ‌رو داشتند. این هنرمند گمیشانی افزود: دشت ترکمن صحرا مملو از روستاهای با سازه آلاچیق بود که مردانی سرخ‌پوش با کلاه سیاه یا سفید سوار بر اسب، هزاران راس گوسفند را پرورش می‌دادند و زنانی با پوشش لباس ترکمنی و زیورآلات فلزی مزین به سنگ‌های یاقوت سرخ، شیر گوسفندان را در محوطه‌های محصور با حصارهای چوبی می‌دویشیدند. ایری توماج اظهار داشت: همه مردم ایران فرهنگ ترکمن را با اسبدوانی و والیبال و دوتار می‌شناسند اما فرهنگ ترکمن سرشار از آداب و رسوم و میراث متنوعی است که هر یک به فراخور خود هزاران رمز و راز را در خود جای داده اند. این هنرمند ترکمن افزود: یکی از مباحث آمیخته با فرهنگ ترکمن که یک میراث ملموس محسوب می‌شود، آلاچیق است که تا صدها سال به عنوان نخستین و اصلی‌ترین سرپناه این قوم کوچ‌نشین در منطقه ترکستان محسوب می‌شد اما در دهه اخیر رو به فراموشی رفت. وی در خصوص یکی از دلایل اصلی برچیده شدن آلاچیق‌ها از فرهنگ

چیق بافی و ساخت آلاچیق به عنوان هنر بومی و ریشه‌دار ترکمن صحرا در سال‌های اخیر به سبب رشد روزافزون تکنولوژی، کناره‌آوردن با مظاهر زندگی مدرن و شهری و بی‌میلی برای استفاده از این هنر از سوی بومیان در آستانه فراموشی قرار گرفت و نشانه‌های این صنعت دیرینه در منطقه آرام آرام برچیده شد. به گزارش ایرنا، فرش دستباف، نمد، زیورآلات و سوزن‌دوزی ترکمن از جمله صنایع دستی ترکمن‌های گلستان است که هر چند با روزهای اوج خود فاصله دارند اما کورسویی از حیات در بین آنها یافت می‌شود. یکی از صنایع دستی ترکمن‌ها که حال ناخوشی دارد، هنر تولید و بافت چیق و آلاچیق است که تعداد هنرمندان و فعالان این بخش کمتر از انگشتان یک دست است و دیری نخواهد پایید که نام این هنر را باید در صفحات تاریخ جستجو کرد. گلستان به سبب برخورداری از تنوع جمعیتی گسترده و وجود اقوام مختلف از فرهنگ‌های بسیاری برخوردار است و این امر دامنه ساخت و تولید صنایع دستی در این استان به نسبت کوچک را متنوع‌تر از سایر مناطق می‌کند. ترکمن‌های اهل سنت حدود یک سوم جمعیت گلستان را تشکیل می‌دهند که به فراخور سابقه تاریخی و تمدنی، صنایع دستی و آثار هنری به نسبت متنوع‌تری نسبت به سایر اقوام دارند. با پیگیری فراوان بالاخره نام و نشان یکی از هنرمندان چیق بافی را در شمال غرب گلستان شناسایی کرده و به سراغ رفتیم. برای دیدار با این هنرمند مسیر منتهی به گمیش تپه را طی کردیم. هر چه فاصله ما از گرگان بیشتر می‌شد، رنگ و بوی سنت و تاریخ بیشتر به چشم می‌آمد. با عبور از بندر ترکمن و مشاهده تابلوهای گمیشان آلاچیق‌های ترکمنی یکی پس از دیگری از مقابل دیدگان ما عبور کرد. خانه‌های سنتی که انگار در گذشته کارکردهای بسیاری داشت و به جز مامن ترکمن‌های خسته از یک روز سخت کاری، ردپای اتفاقات تاریخی و حتی علمی را می‌شد در آن جستجو کرد. یکی از پیرمردهای ترکمن که مقابل آلاچیق روی صندلی نشسته و خودروهای عبوری را تماشا می‌کند، گفت: این آلاچیق (با دست به سازه بافته از نی پشت سرش اشاره می‌کند) را به تنهایی بافتم. پدرم هنرمند این کار بود

نیاز دانشگاه‌های گنبد کاووس به دوره‌های تحصیلات تکمیلی



رییس دانشگاه پیام‌نور گنبد کاووس گفت: ۱۰ مرکز آموزش عالی مستقر در این شهرستان برای توسعه و ارتقای جایگاه علمی خود نیاز به راه‌اندازی و ایجاد رشته‌های تحصیلات تکمیلی مرتبط با نیاز روز و بازار کار دارند. به گزارش روابط عمومی، رضا یازرلو در مجمع سالانه هیات اندیشه و رز بسیج گنبد کاووس افزود: این شهرستان و ۱۰ مرکز آموزش عالی آن ظرفیت بالایی برای ایجاد و راه‌اندازی رشته‌های تحصیلی در مقطع تحصیلات تکمیلی دارند که باید مورد توجه قرار گیرد. نماینده روسای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی گنبد کاووس در مجمع و هیات اندیشه و رز بسیج این شهرستان ادامه داد: علاوه بر ضرورت ایجاد رشته‌های تحصیلات تکمیلی، مراکز آموزش عالی گنبد کاووس با مشکلات مالی زیادی مواجه هستند و صورت خود را با سیلی سرخ‌نگ می‌دارند و می‌توانند نمایندگان مجلس شورای اسلامی در این حوزه نیز ورود کنند. مدیر شبکه بهداشت و درمان گنبد کاووس هم در این نشست از موافقت وزارت علوم با افزایش ۲ رشته بیماری‌ها و فوریت‌های پزشکی در مجتمع آموزش عالی سلامت این شهرستان خبر داد و گفت: پذیرش دانشجو در این ۲ رشته در حال انجام است و فعالیت آموزشی آنها از دیماه امسال شروع خواهد شد. فرهاد بدیعی افزود: پیش از این مجتمع آموزش عالی سلامت گنبد کاووس که از سال ۱۳۹۴ فعالیت خود را آغاز کرده و تنها در رشته دهان و دندان دانشجو داشت و اکنون با موافقت وزارت علوم ۲ رشته به آن اضافه شد. وی همچنین از تکمیل زیرساخت‌های آموزشی شدن چهار بیمارستان دولتی (شهید مطهری، طالقانی، پیامبر اعظم (ص) و شهدای ۱۲ دی) گنبد کاووس خبر داد و اضافه کرد: طی روزهای آینده دانشجویانی از دانشگاه علوم پزشکی گلستان جهت انجام دوره‌های کارورزی در این بیمارستان‌ها حضور خواهند یافت. بدیعی از ۲۷ مورد اعزام پزشکان بسیجی به مناطق روستایی گنبد کاووس در یکسال گذشته نیز خبر داد و گفت: این پزشکان به حدود ۹ هزار نفر از اهالی روستاهای کمتر توسعه یافته این شهرستان، خدمات ویزیت رایگان ارائه کردند.

«آگهی ثبتی»

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرائی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۱۲۰۸۰۰۲۱۱۱ تاریخ بیست و ششم مهر ماه سال یک هزار و چهار صد و یک خورشیدی هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۰۱۱۴۴۱۲۰۸۰۰۰۳۹۵ تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی آقای ارکین سن سبلی فرزند رحمن به شماره شناسنامه ۴۹۷۰۲۷۲۰۵۰ ک. ملی ۴۹۷۰۲۷۲۰۵۰ صادره از آق قلا در ششادانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی به مساحت بیست و یک متر و نود دسیمتر مربع، در قسمتی از باقیمانده ششادانگ پلاک شماره پنج فرعی از یک-اصولی واقع در اراضی قریه آق قلا بخش هفت-حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا از سهمی خانم مهین دخت تاج بخش تأیید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: روز سه شنبه ۱۴۰۱/۰۸/۰۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: روز چهارشنبه ۱۴۰۱/۰۸/۱۸ محمد فندر سکی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا م.الف ۱۳۳۴۲

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرائی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۱۲۰۸۰۰۲۱۱۱ تاریخ بیست و پنجم مهر ماه سال یک هزار و چهار صد و یک خورشیدی هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۰۱۱۴۴۱۲۰۸۰۰۰۳۹۶ تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی آقای آرمان تکه کر فرزند عراز محمد به شماره شناسنامه یک هزار و دویست و هفتاد و چهار کد ملی ۶۲۸۹۴۹۹۸۵ صادره از گمیشان در ششادانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی به مساحت دویست و شش متر و هشتاد و شش دسیمتر مربع، در قسمتی از باقیمانده ششادانگ پلاک شماره چهار اصلی واقع در اراضی یولمه مشهور به (یلمه خندان) بخش سیزده حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا از سهمی اصلاحات ارضی تأیید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: روز سه شنبه ۱۴۰۱/۰۸/۰۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: روز چهارشنبه ۱۴۰۱/۰۸/۱۸ محمد فندر سکی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا م.الف ۱۳۳۴۰

گلشهر
۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶



مزایده املاک تملیکی و مازاد بر نیاز بانک سپه

به شماره ۷۴۳/۱۴۰۱/۳ (نوبت دوم)



بانک سپه در نظر دارد املاک و مستغلات تحت اختیار خود واقع در استان گلستان را به شرح جدول ذیل از طریق برگزاری فرآیند مزایده با جزئیات مندرج در اسناد مربوطه و بهره گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی الکترونیکی www.setadiran.ir با شماره مزایده ۰۰۱۰۹۲۳۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ به صورت الکترونیکی به فروش برساند.

- تاریخ انتشار مزایده در سامانه ستاد: ساعت ۸ صبح روز سه شنبه به تاریخ ۱۴۰۱/۰۷/۲۶.
آخرین مهلت دریافت اسناد مزایده: ساعت ۱۴:۳۰ روز سه شنبه به تاریخ ۱۴۰۱/۰۸/۱۰.
آخرین مهلت ارسال پیشنهاد: ساعت ۱۴:۳۰ روز دوشنبه به تاریخ ۱۴۰۱/۰۸/۲۳.
تاریخ بازگشایی پاکات پیشنهادی: ساعت ۰۸:۰۰ صبح روز سه شنبه به تاریخ ۱۴۰۱/۰۸/۲۴.
تاریخ بازدید: از ساعت ۸ صبح روز سه شنبه به تاریخ ۱۴۰۱/۰۷/۲۶ لغایت ساعت ۱۴:۰۰ روز دوشنبه به تاریخ ۱۴۰۱/۰۸/۲۳ (بازدید همه روزه به جز پنجشنبه ها و ایام تعطیل مقدور می باشد).
نحوه فروش: نقد.
توجه: لطفاً به اصلاحات احتمالی مزایده که در سایت بانک سپه به نشانی الکترونیکی www.bankseph.ir/ta مندرج میگردد و تا پایان آخرین مهلت ارائه پیشنهادات ملاک عمل می باشد، توجه فرمایید.

بانک سپه - مدیریّت شعب منطقه گلستان - شناسه آگهی ۱۳۹۷۸۳۷

Table with 12 columns: ردیف, آدرس, همایگی جهت بازدید, شماره پلاک ثبتی, نوع ملک, نوع کاربری, عرصه, اعیان, قیمت پایه کارشناسی (ریال), سهم بانک فروش, نحوه فروش, وضعیت ملک, توضیحات. It contains details for two properties, including location (Ahmadabad), area (4500 sqm), and price (2,125,000,000).

لیست املاک مورد مزایده

مزایده املاک تملیکی و مازاد بر نیاز بانک سپه

به شماره ۷۴۳/۱۴۰۱/۴ (نوبت دوم)



بانک سپه در نظر دارد املاک و مستغلات تحت اختیار خود واقع در استان گلستان را به شرح جدول ذیل از طریق برگزاری فرآیند مزایده با جزئیات مندرج در اسناد مربوطه و بهره گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی الکترونیکی www.setadiran.ir با شماره مزایده ۰۰۱۰۹۲۳۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ به صورت الکترونیکی به فروش برساند.

- تاریخ انتشار مزایده در سامانه ستاد: ساعت ۸ صبح روز سه شنبه به تاریخ ۱۴۰۱/۰۷/۲۶.
آخرین مهلت دریافت اسناد مزایده: ساعت ۱۴:۳۰ روز سه شنبه به تاریخ ۱۴۰۱/۰۸/۱۰.
آخرین مهلت ارسال پیشنهاد: ساعت ۱۴:۳۰ روز دوشنبه به تاریخ ۱۴۰۱/۰۸/۲۳.
تاریخ بازگشایی پاکات پیشنهادی: ساعت ۰۸:۰۰ صبح روز سه شنبه به تاریخ ۱۴۰۱/۰۸/۲۴.
تاریخ بازدید: از ساعت ۸ صبح روز سه شنبه به تاریخ ۱۴۰۱/۰۷/۲۶ لغایت ساعت ۱۴:۰۰ روز دوشنبه به تاریخ ۱۴۰۱/۰۸/۲۳ (بازدید همه روزه به جز پنجشنبه ها و ایام تعطیل مقدور می باشد).

نحوه فروش: نقد، نقد و اقساط

توجه: لطفاً به اصلاحات احتمالی مزایده که در سایت بانک سپه به نشانی الکترونیکی www.bankseph.ir/ta مندرج میگردد و تا پایان آخرین مهلت ارائه پیشنهادات ملاک عمل می باشد، توجه فرمایید.

توضیحات و شرایط:

- ۱. متقاضیان جهت کسب اطلاع از جزئیات املاک و با توجه به توضیحات مندرج در شرایط مزایده می توانند هماهنگی های لازم را به عمل آورند.
۲. شرکت در مزایده صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت "ستاد" می باشد و کلیه مراحل فرآیند مزایده شامل خرید و دریافت اسناد مزایده، پرداخت تضمین شرکت در مزایده (ودیعہ)، ارسال پیشنهاد قیمت و اطلاع از وضعیت برنده بودن مزایده گران محترم از این طریق امکان پذیر می باشد.
۳. علاقمندان به شرکت در مزایده می بایست جهت ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (توکن) با دفتر ثبت نام سامانه ستاد به شماره تلفن ۱۴۵۶ تماس و یا به آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.
کلیه اطلاعات املاک و مستغلات شامل مشخصات، شرایط و نحوه فروش در بردار اعلام عمومی سامانه مزایده قابل مشاهده، بررسی و انتخاب می باشد.

بانک سپه - مدیریّت شعب منطقه گلستان - شناسه آگهی ۱۳۹۷۸۳۵

یاقوت سرخ در چنجه دلالان

پیش بینی می شود امسال بالغ بر ۱۵ هزار تن از باغات گلستان انار برداشت شود



تبدیلی اقدامی انجام نشود در سالهای آینده هم با چالش مواجه خواهیم شد، بیان کرد: رونق صنایع تبدیلی جزو سیاستهای جهاد کشاورزی است و در این راستا اقدامات مختلفی انجام می شود. در حال حاضر تشکل انارکاران مسئولیت اجتماعی راهاندازی صنایع تبدیلی را بر عهده گرفتند. البته در دیگر محصولات شاید باید منتظر سرمایه گذار بمانیم اما باغداران انار گلستان تصمیم گرفتند خود در این حوزه وارد شوند. به گفته وی، موضوع راهاندازی صنایع تبدیلی در حوزه انار توسط تشکل انارکاران استان گلستان، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گلستان، مراکز تحقیقاتی و سازمان جهاد کشاورزی در حال پیگیری است تا صنایع تبدیلی در محصول انار در سطح استان گلستان رونق بگیرد. مدیر باغبانی سازمان جهاد کشاورزی گلستان با اشاره به اینکه باغداران انار گلستانی در حال راهاندازی یک تشکل مستقل هستند تا در خصوص موضوعات مربوط به بازار انار تمهیدات لازم را ببینند، گفت: مانیز به این مسئله کمک می کنیم تا این تشکل هر چه زودتر قوام پیدا کند تا باغداران در قالب تشکل یک تشکل ضمن هم افزایی در مسائل فنی و روند تولید در خصوص بازار فروش هم به کمک هم بیایند. لطفی زاده به آسیب دلالان و واسطه ها به باغداران اشاره کرد و گفت: عرضه مستقیم محصول توسط باغداران، دست دلالان و واسطه ها را قطع می کند و برای تحقق این مهم نیز نقش باغداران پررنگ است و شاید سازمان جهاد کشاورزی نتواند مستقیماً به بازار انار ورود پیدا کند اما می توانیم تشکل مربوط به این حوزه را در اسرع وقت مدیریت کنیم تا بتواند بخشی از مشکلات باغداران انار را رفع کند.

با توجه به اینکه ۳۴ درصد اشتغال استان گلستان مربوط به بخش کشاورزی است، توسعه صنایع تبدیلی می تواند اشتغال ناقص استان را کاهش دهد و با رونق اقتصاد کشاورزی و توسعه باغداری، درآمد روستائیان استان نیز افزایش یابد و پدیده هایی مثل حاشیه نشینی و همچنین مهاجرت روستائیان به شهرها نزولی شود. از سویی دیگر با توجه به همسایگی گلستان با کشورهای CIS توجه به صنایع تبدیلی می تواند منجر به ارزآوری شود و برای استان گلستان که سرانه درآمد خانوار آن پایین تر از میانگین کشوری است رونق اقتصادی بیشتری را به همراه داشته باشد.

شود. مهدی لطفی زاده گفت: با توجه به برخورداری استان گلستان از تنوع اقلیمی، شرایط برای باغات انار در بخش های مختلف استان اعم از کردکوی، گرگان، علی آبادکول، رامیان و گنبدکاووس فراهم است. وی افزود: بخش عمده ای از انار تولیدی گلستان به صورت تازه خوری در بازار به فروش می رسد و بخشی از آن نیز در بازارهای استان های اطراف ارسال شده و بخشی دیگر نیز در حوزه صنایع تبدیلی مورد استفاده قرار می گیرد. مدیر باغبانی سازمان جهاد کشاورزی گلستان با اشاره به اینکه باغداران گلستانی در بخش تولید انار در سطح استان و ملی جزو باغداران پیشرو به شمار می روند، تصریح کرد: مدیریت باغ در آبیاری و مدیریت آفات و بیماری ها به کیفیت انار تولیدی کمک شایانی می کند تا محصول تولیدی، قابلیت رقابت با محصولات موجود در بازار را داشته باشد. لطفی زاده با تأکید بر اینکه در تازه خوری میوه ها، عرضه و تقاضا بر قیمت محصول اثرگذار است، گفت: در این شرایط صنایع تبدیلی نقش به سزایی دارند، چرا که فعال کردن صنایع تبدیلی، میوه های با درجه دو و سه را هم به چرخه خرید و توزیع می آورد و تعادل در بازار را رقم می زند. وی ابراز امیدواری کرد؛ تا قبل از پایان سال جاری در حوزه صنایع تبدیلی، اقدامات خوبی در گلستان انجام شود و صادرات انار به سرانجام برسد. مدیر باغبانی سازمان جهاد کشاورزی گلستان، نقش صنایع تبدیلی در مدیریت بازار و محصول را ویژه خواند و تأکید کرد: در میوه جات، برخی از میوه های تولیدی باغات، کیفیت پایینی دارند که اگر وارد بازار شوند، موجب افت قیمت می شوند. معمولاً میوه های درجه پایین در صنایع تبدیلی استفاده می شوند تا کیفیت و قیمت محصول در بازار کنترل شود.

نهایت منجر به گرانی میوه و خالی شدن سفره مردم از میوه ها خواهد شد. یک باغدار گلستانی که درختان انار باغ او ۶ ساله شدند، می گوید: در حالی که چندین ماه برای ابدهی و کوددهی درختان انار زحمت کشیدیم اما متأسفانه در شرایط فعلی که موقع برداشت و فروش است، محصول تولیدی ما را به قیمت ناچیز خریداری می کنند؛ در واقع محصول تولیدی ما در حالی ۸ هزار تومان خریداری می شود که همین محصول در بازار کمتر از ۲۰ هزار تومان به فروش نمی رسد. حاج حکیم یمودی ادامه می دهد: امسال مگس مدیترانه ای امان ما را بریده و میوه های ما را خراب کرده است، البته ما تا حد امکان با این آفت مبارزه کرده و جلوی آن را گرفتیم و انتظار داریم در زمان برداشت، حداقل کمی از مزد زحمات خود را دریافت کنیم و محصول تولیدی ما برچسب گذاری و روانه صادرات شود. وی با بیان اینکه متأسفانه اتحادیه ای برای باغداران انار در گلستان وجود ندارد، تأکید می کند: انتظار است مسئولان برای باغداری چاره ای بیاندیشند. بنده به عنوان یک باغدار برای نابودی مگس مدیترانه ای انرژی زیادی صرف می کنم و انتظار دارم در مقابل، مسئولان هم از ما حمایت کنند. این باغدار گلستانی از نبود کارخانه صنایع تبدیلی در استان گلستان گلایه کرد و گفت: متأسفانه فقدان کارخانه صنایع تبدیلی در استان ما یک معضل است، اگر صنایع تبدیلی و فرآوری محصولات باغی و زراعی وجود داشته باشد آن بخش از میوه جاتی که امکان عرضه در بازار را ندارد، فرآوری می شود.

وجود ۱۶۰۰ هکتار باغ انار در گلستان مدیر باغبانی سازمان جهاد کشاورزی گلستان نیز از وجود حدود یک هزار و ۶۰۰ هکتار باغ انار در استان گلستان خبر داد و اظهار کرد: پیش بینی می شود امسال بالغ بر ۱۵ هزار تن از باغات گلستان انار برداشت

در حالی که انارکاران گلستانی امید داشتند مزد زحمات خود را در فصل برداشت محصول بگیرند اما موقع برداشت، پای دلالان و واسطه ها به باغات انار گلستان باز شد و به رسم هر ساله، ماحصل دسترنج یک ساله انارکاران به یغما می رود. به گزارش ایسنا، همیشه فصل برداشت محصولات زراعی و باغی، تازه آغاز مشکلات و چالش های باغداران و کشاورزان گلستانی است، گرچه گلستان را به عنوان قطب کشاورزی می شناسند اما کافی است، لحظاتی پای درد و دل کشاورزان و باغداران گلستانی بنشینید، به عینه می بینید که دلشان از چالش ها و کمبودهای ناتمام این حوزه خون است. کشاورزان و باغداران گلستانی نمی دانند از دست اندازی دلالان و واسطه ها گلایه کنند یا از مشکلات کاشت و داشت و برداشت و چالش های آبی بگویند و یا در حسرت صنایع تبدیلی بسوزند. هر چه که هست مزد این عرق جبین که در حوزه کشت و زرع می ریزند، برایشان آب و نان نمی شود و مزد آن بیشتر عاید دلالان و واسطه ها است. محصولات باغی همه در یک سطح و کیفیت تولید نمی شود در بسیاری از کشورها، محصولات بازار پسند، تفکیک و مابقی برای تبدیل به کمپوت و عصاره جداسازی می شوند ولی در استان ما این بخش یا دور ریخته می شود و یا به عنوان خوراک دام مورد استفاده قرار می گیرد و یا پس از عرضه در بازار، با کاهش قیمت، محصول باکیفیت را هم قربانی می کند؛ همه این مسائل موجب می شود تا باغداری در استان مقرون به صرفه نباشد و برخی از باغات استان توجیه اقتصادی زیادی به همراه نداشته باشند. از سویی دیگر، فقدان صنایع تبدیلی در فصل برداشت محصولات باغی و همچنین نبود سردخانه ها به میزان کافی برای ذخیره سازی باعث افت قیمت، تلاطم بازار و خسارت به باغداران می شود و البته نا به سامانی های این بخش در